

سخنی با خوانندگان

چند سال پیش بود که برای ضبط خاطرات شادروان ناصر عاملی، شاعر و ادیب چپ‌گرای خراسانی و فرزند شادروان دکتر شیخ حسن خان عاملی، پزشک قدیمی و انسان دوست و معروف، به تهران رفتم. پیش از آن، به هنگامی که در یک گفت‌وگوی تلفنی، قصدم را با دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در میان گذاشتم، بسیار از این موضوع، استقبال و تشویق کردند.

باری، ناصر عاملی که دیگر در پیرانه سری به سر می‌برد و بسیاری از خاطراتش را نیز فراموش کرده بود، شعرها و جستارها و بسیاری از یادداشت‌های خود و برادرش باقر عاملی را - که او نیز از بزرگان حزب توده در خراسان به شمار می‌رفت - در اختیارم گذاشت تا در کتاب جداگانه‌ای به نام «خانه‌ی عاملی‌ها» برای استفاده عموم به چاپ برسانم.

بعدها در حین پژوهش و نگارش کتاب یادشده، به مخطوطی برخوردیم به خط و قلم سرهنگ لطف علی خان درگزی. او که کارگزار و مشاور شجاع‌الدوله محمدناصر خان فرزند امیرحسین خان زعفرانلو، حاکم قوچان بوده، و شجاع‌الدوله‌های دیگر را نیز همراهی می‌کرده، خاطرات روز به روز خود را می‌نوشته است. پدرش اللهیارخان درگزی هم از وجوه خراسان به شمار می‌رفته. این خاطرات را که ارزش تاریخی و حتی

ادبی فراوان دارد، شایسته‌تصحيح و چاپ يافتم، پس آنچه می خوانید، حاصل این کوشش من است.

حکومت محمد ناصر خان شجاع الدوله و ریاسش بر ایل زعفرانلو که از ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۰ به طول انجامیده، حوادث مهمی را در خود داشته است. از این رو، خاطرات لطف علی خان درگزی به دلیل دارا بودن مطالب قابل توجه در باب حوادث مربوط به خراسان و نیز دوران حساس مشروطیت و افزون بر آن، نکته‌های مهم و خاصی درباره روابط اجتماعی و اخلاقی عصر قاجار، اهمیت فراوان دارد.

از سال ۱۳۱۱ که پدر لطف علی خان فوت شده، او همیشه در کنار محمد ناصر خان شجاع الدوله به سر می برده است. محمد ناصر خان که اهل ذوق و ادب بوده، دور و بری هایش را به مشاعره وامی داشته و به ویژه به لطف علی خان که نوازنده خوبی به شمار می رفته و از صدای خوبی هم برخوردار بوده، نظر لطف داشته است.

لطف علی خان در نواختن شش تار نیز مهارت داشته و گویا یک بار که چند نوازنده و خواننده با ارائه هنرشان می خواسته‌اند از شجاع الدوله پول زیادی بگیرند، او لطف علی خان را صدا می زند و به او دستور می دهد که تار بنوازد. هنگامی که او دست به تار می برد، آن‌ها دیگر وسایل خود را جمع کرده، پولی هم تقاضا نمی کنند!

اگر چه نسخه یادشده، نواقصی دارد، یعنی به قول کلیم کاشانی، شاعر معروف سبک هندی، «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است»، با این همه، باز هم بسیار مفید می تواند باشد. البته ناگفته نماند که

متأسفانه، از میانه نیز گویا افتادگی دارد و گاه نام اشخاص در پاره‌ای جاها سترده شده است.

این نسخه با مشخصات ظاهری (ابعاد کاغذ: ۲۱ × ۱۷، کاغذ نخودی، ۵۱ برگ، خط نستعلیق ده سطری) خاطرات روزنوشتِ لطف علی خان درگزری را از میانه بیست ربیع الاول (بنابر آغاز موجود کتاب) تا ۲۸ جمادی الاول ۱۳۲۴، یعنی در حدود هفتاد روز را در بر می‌گیرد و تا گرم‌گرم پذیرش مشروطیت پیش می‌رود. نیز نثری خوش و روان دارد. نویسنده هنرمند بوده، یعنی نقاشی می‌کرده و تار می‌نواخته، و چنین بر می‌آید که گاه گاهی کلماتی را نیز به نظم می‌کشیده است.

نکته قابل توجه برای محققان، نظر او درباره جنبش مشروطه است، که می‌نویسد: «برای این مردم، هیچ وقت آسایش و راحت نخواهد بود، و صدمه بزرگی از جانب خداوند بر این مردم وارد خواهد شد؛ زیرا که بی‌جهت، این قال و قیل را فراهم کرده و مثل گوسفند، دنبال یکدیگر افتاده‌اند، و هیچ نمی‌فهمند چه خبر است و چه می‌خواهند و مشروطه یعنی چه و استبداد کدام است و به تقلید حرف می‌زنند و ازهای و هوی و قیل و قال خوش‌شان می‌آید. به هر حال، بنده که عقلم به جایی نمی‌رسد، ولی عاقبت این حرکت مردم را خوب نمی‌بینم؛ زیرا که این حرکت، از برای خدا نیست، بلکه هر کس به ملاحظه ریاست خودش لفظ «مشروطه» را به میان انداخته و فقط برای جلب منفعت است.»^۱

۱ - ص ۱۲۷-۱۲۸ همین کتاب.

البته منکر نمی‌توان شد که شاید رگه‌هایی از حقیقت در دیدگاه لطف علی خان در باب مشروطه وجود داشته باشد، ولی در مجموع، نمی‌توان از کسی که به شاهزادگان قاجاری وابسته بوده، انتظار داشت که با مردم در جنبش مشروطیت همراهی کند!

همچنین بر نسخه دیگری که بخش جداگانه‌ای از آن خاطرات را در بر دارد، دست یافتم که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگه‌داری می‌شود، و اهدایی شخصیت جالب و دوست‌داشتنی قوچانی مقیم مشهد، یعنی محقق قوچان‌پژوه، استاد محمد جابانی‌ست. پس متن این نسخه را نیز بخش دوم کتاب قرار دادم. مشخصات این نسخه چنین است: سفرنامه لطف علی خان درگزی، مؤلف: لطف علی اللهیار خان درگزی، موضوع: تاریخ، زبان: فارسی، تاریخ تحریر: ۱۳۱۹ق.، اوراق: ۱۹۳، خط و سطر: نستعلیق مخلوط به شکسته، هشت سطر، شماره عمومی: ۴/۸۰۰۴، طول و عرض: ۱۷×۱۱، اهداکننده: محمد جابانی توسط اسماعیل پور، تاریخ اهدا: ۷/۸/۹۰، جلد تیماج قهوه‌ای.

به همین مناسبت و از جهت اشراف ایشان بر تاریخ قوچان، خواستم مقدمه‌ای بر این مجموعه بنویسند، که پذیرفتند.

اما چند نامه و حکایت نیز در آخر نسخه به چشم می‌خورد که البته ربطی به خاطرات نداشت. این‌ها را هم جهت مزید آگاهی و نیز به دلیل برخورداری از نکته‌های فرهنگ عوام یا فولکلور و هم نکته‌های زبان‌شناسانه در بخشی جداگانه گذاشتم.

چند برگ از یادداشت‌های **لطف علی خان** نیز به دست محقق و کردپژوه معروف **کلیم الله توحیدی** افتاده بوده که در حرکت تاریخی کرد به خراسان (جلد یکم و چهارم) به چشم می‌خورد. با اجازه شفاهی ایشان، این‌ها را هم در بخش جداگانه دیگری از کتاب قرار دادم.

در حین کار، آگاهی یافتم که شخص دیگری نیز به دلیل نزدیکی شغلی‌اش به این مقولات، از نسخه استاد **محمد جابانی** اطلاع حاصل کرده و مشغول تصحیح آن است. تلفنی او را خبردار کردم و گفتم، بخش دیگری از این‌ها در نسخه‌ای است که جز من کس دیگری ندارد، پس بهتر است دوباره کاری نشود. اما پاسخ روشنی نداد. و از اتفاقات نادر این که خانمی که می‌بایست مقدمه استاد **جابانی** را به من برساند، چون مرا نیافته بوده و از موضوع اطلاع نداشته، بدون این که دست کم در پاکتی سربسته‌اش قرار دهد، آن را به دست همو سپرده تا به من برساند! که البته رسید.

در پایان، علاوه بر استاد **محمد جابانی** و **کلیم الله توحیدی**، باید از دکتر **محمد رضا محمدیان** به دلیل نکته‌هایی چند که به آگاهی من رساندند، و نیز از **غلام‌رضا آذری خاکستر** هم به همین سبب تشکر کنم.

سید جلال قیامی میرحسینی

مشهد - ۱۳۹۵/۱۲/۲۳